

امواج بیداری و خیزش انقلابی اسلامی

علیرضا صدرا*

چکیده

فرضیه اصلی این مقاله، «امواج سه‌گانه جریان بیداری و خیزش انقلابی اسلامی» است. در این مقال، به امواج سه‌گانه در بُرد و گستره‌های کوتاه، میان و بلند مدنی، دینی و انقلابی ملی، منطقه‌ای و جهانی جریان بیداری و خیزش انقلابی اسلامی به‌مثابه زیرساخت راهبردی و راهبرد زیرساختی نوخیزی، نگاهی گذرا انداخته و اهم موارد مربوط را به اجمال از نظر می‌گذرانیم. کما اینکه با امواج بلند سه‌گانه مدنی (گذار به مدنیت با تأسیس دولت و حکمت جاویدان شرقی - ایرانی)، مادی (فناوری ابزار مدرن غربی) و معنوی (اسلامی ایران و جهان اسلام) تا مرز مهدوی (جهانی شدن اسلام) به هم پیوسته و آمیخته شده است. نظریه موجی بیداری و خیزش انقلابی اسلامی و به ویژه امواج سه‌گانه انقلابی و مدنی به ترتیبی که در این اثر آمده است، نظریه‌هایی بدیع می‌باشد. به ویژه با نگاه پیوست تاریخ سیر تجدید و تأسیس حیات تفکر مدنی، اجتماعی و سیاسی و تمدن نوین اسلامی، در مقابل نظریه گسست تاریخ است. روش و حد مقاله طرح اصل مطلب (امواج سه‌گانه) به روش تحلیل متن (نمودشناسی) و تا حدودی تحلیل محتوایی (بودشناسی و بنیادشناسی) به صورت اجمالی است.

واژگان کلیدی

بیداری، خیزش، انقلاب و انقلابی، اسلام و اسلامی، استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی.

مقدمه

شکی در این نیست بر اساس حقایقی که خدای متعالی تقدیر کرده است، خاورمیانه جدید شکل خواهد گرفت و

vahidsadra@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۹/۱۰

*. دانشیار دانشگاه تهران.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۳/۲۵

این خاورمیانه، خاورمیانه اسلام خواهد بود. (مقام معظم رهبری: ۱۳۸۸/۸/۲۸)

پدیده هم نه چندان قابل پیش‌بینی و در عین حال هم، نه چندان غیر قابل پیش‌بینی تحولات منطقه خاورمیانه عربی در آسیای غربی (غرب آسیا)، طی سال‌های اخیر تاکنون، نه یک حادثه ظاهری بوده و پدیده‌ای مقطعی و گذرا نیز نمی‌باشد. بدانسان که بنا به تعبیر سعدی؛ «آنچه زود آید دیر نپاید» و اینکه «باد آورده را باد می‌برد». (گلستان) به گونه‌ای که برخی تحلیل‌گران، رسانه‌ها و قدرت‌های سلطه‌گر غربی - صهیونیستی و عربی - ارتجاعی، مایل بدان بوده و آن را تبلیغ کرده و رواج می‌دهند. چنان‌که اطلاق «بهار عربی» بدان نیز بدین منظور است. به منظور تبلیغ این معنا که حادثه‌ای احساسی و کوتاه مدت، کوتاه‌برد و کوتاه‌گستر ظاهری بوده و به سرعت و به زودی پساتابستانی گرم و سوزان به خاموشی می‌گراید. حال اینکه پدیداری اتفاقی نبوده که زود آمده است و دیر نپاید. برعکس، جریان دوزخ و دیرپاست. حادثه‌ای عارضی و به اصطلاح باد آورده نیست که آن را باد ببرد. بلکه بیداری و جوششی ذاتی و درون‌زاد است. کما اینکه حرکت، خروش و خیزش اعم از: کنش و روش بیرونی، بروز و برآمد بارور و باروری آنست. به مصداق، یکی: «تلك الايام نداها بين الناس» (آل عمران / ۱۴۰) یعنی جابجایی و جایگزینی تمدنی و دیگری و بر این اساس: «ان الله لا يغير ما بقوم حتى يغيروا ما بانفسهم» (رعد / ۱۱) یعنی اینکه تغییر سرنوشت و ساخت و سیاست هر جامعه‌ای به تغییر سرشت، ارزش‌ها، بینش و منش درونی همو ارجاع داده شده، از آنجا ناشی شده و معلول و مرهون آن می‌باشد. به همین سبب چنین دیگرگونی‌ای، تغییر و تحولی سرشتین و سرنوشت‌ساز است؛ جریانی تاریخ‌ساز و تمدن‌پرداز می‌باشد. حتی جریان تاریخ‌سازی و تمدن‌پردازی به شمار می‌آید.

جریان بدیل و برجسته حساس با حساسیت بالا و احساس مسئولیت خطیر اسلامی، دینی و حتی انسانی و فطری آحاد مسلمانان و گروه‌ها و جوامع امت در حال بیداری و خیزش مسلمان است. فرایندی که فراگیر همگان اعم از شیعی و سنی می‌باشد. جریانی سرشت‌ساز یا سرشتین و سرنوشت‌ساز پویا و حتی پایا و نیز زایا بوده و در نتیجه بالنده فراگیر، فرارونده و فراگستر می‌باشد. چنان‌که بایسته و شایسته است این جریان این‌گونه تلقی، تعبیر و نیز تفسیر شده و بدین گونه تبلیغ و ترویج گشته و ترسیم و تحقق یابد.

چرایی، چیستی و چگونگی این گفتمان جریان بیداری و خیزش انقلابی اسلامی، همچنان مبهم نموده و محل پرسش و چالش جدی و جهانی است. چگونگی و نمودشناسی، یعنی شناخت مظاهر، کمیت و ابعاد، کیفیت، کنش و واکنش‌ها و سایر عوارض این جریان با این مختصات، بدون چیستی‌شناسی، یعنی شناخت ماهیت یا مبانی ماهوی آن، نه تنها مشکل بوده بلکه اشکال آفرینست. به نوبه خود شالوده‌شکافی و شالوده‌شناسی، یعنی شناخت شالودی و شالوده‌های این گفتمان جریان بیداری و خیزش انقلابی اسلامی در پاسخ به چرایی که نشانگر حقیقت یا مبادی بنیادین و غایی آن است نیز حائز کمال اهمیت بوده و می‌باشد. اینها مراتب سه گانه پدیده و پدیده‌شناسی یا جریان و جریان‌شناسی بیداری و خیزش انقلابی اسلامی منطقه

و منطقه‌ای و نیز با توجه به اهمیت راهبردی جهان اسلام و پیام و پیامدهای جهانی اسلام است. معرفت‌شناسی یعنی امکان، حدود، مراتب و منابع شناخت اعم از شناسایی و شناساندن و نیز روش‌شناسی، مقدم بر پدیده‌شناسی و هر سه پرسمان پدیده و پدیده‌شناسی بیداری و خیزش انقلابی اسلامی را تشکیل داده و بر می‌نمایند. هرگونه کاستی یا نارسایی و نادرستی یا ناسازواری در این شناخت؛ شناسایی و شناساندن، موجب و موجد اشکال مشکل آفرین در مهندسی راهبردی و راهبرد مهندسی، مدیریت راهبردی و راهبرد مدیریت و در آسیب‌شناسی، آسیب‌زدایی راهبردی و راهبرد آسیب‌شناسی (پاتولوژی) و آسیب‌زدایی (ایمنولوژی؛ ایمنی‌سازی) آن بوده و خواهد بود. در هر سطح و برای هر کس و هر طرفی باشد. چه جبهه بیداری و خیزش و به ویژه جبهه مقاومت اسلامی بوده و چه جبهه مقابل و مخالف به شمار آید. چه موافق بوده و چه مخالف باشد. همچنین چه انقلابی بوده، چه غیر انقلابی باشد. چه حتی ضد انقلابی محسوب گردد. این چنین شناخت و تحقیق، شناخت و تحقق دقیق و درست بنیادین، جامع، نظام‌مند و هدفمند بوده یا نیازمند آنست. شناسایی و شناساندن و نیز ترسیم و تحقق از شالوده‌ها تا شاخصه‌های بیداری و خیزش انقلابی و اسلامی را فراگرفته و فراهم آمده و برآمد آنهاست.

از سویی شناخت پیشینه تاریخی و تمدنی گذشته اسلامی و پشتوانه نظری و مکتبی دینی اسلامی، سیر متحول و متکامل (پلکانی مرحله به مرحله موجی و امواج سه‌گانه) و ساختار (کامل انقلابی اسلامی) و از سوی دیگر چشم‌انداز توسعه متعالی اقتصادی، سیاسی و فرهنگی، معنوی و اخلاقی و چالش ارتقای کارآمدی، بهره‌وری و اثربخشی پدیده و جریان بیداری و خیزش انقلابی اسلامی نیز به نوبه خود چالش خیزست. پیشینه تاریخی و تمدنی، پشتوانه دینی و مکتبی اسلامی، از یک سو می‌باشد. سیر متکامل و تحولی و ساختار کمال و کامل بیداری و خیزش؛ انقلابی و اسلامی در میانه و فرایند سیر بیداری و خیزش انقلابی اسلامی قرار دارد. در سویه دیگر چشم‌انداز استقلال، آزادی و مردم‌جمهوری اسلامی، توسعه متعالی، همگرایی و همبستگی جهان اسلامی و تجدید تمدن جهانی اسلام، واقع گردیده است. کما اینکه این جریان با چالش انقلاب و انقلابی، ارتقای کارآمدی نهضت و نظام‌های سیاسی انقلابی فرا رو می‌باشد. به ویژه ارتقای کارآمدی و توسعه متعالی نظام سیاسی انقلابی بی‌بدیل جمهوری اسلامی بدیع ایران، به عنوان الگوی برین بیداری و خیزش انقلابی اسلامی با بیش از سه دهه پیشوایی و پیشگامی تجربه پر بار انقلابی مردم سالاری دینی مورد انتظار است.

درآمد

۱. پدیداری پدیده انقلاب اسلامی

پدیداری پدیده انقلاب اسلامی و پیروزی آن در ایران و پیام و پیامدهای منطقه‌ای آن و الهام بخشی و اثربخشی فرمانطقه‌ای در آغاز هزاره پانزدهم هجری قمری و در دهه‌های واپسین قرن بیستم میلادی، شگرف و فراتحلیل دانسته و خوانده شد. قرنی که، قرن مرگ دیانت و خدا (تعبیر مرگ خدا و «خدا مرده است»، از نیچه

در «چنین گفت زرتشت» و برخی از سایر آثار) و عصر پایان تاریخ (نظریه فوکویاما) و هژمونی مدرنیسم و به ویژه لیبرالیسم تلقی و تعبیر می‌شد. انقلابی که به تعبیر امام خمینی علیه السلام؛ «انفجار نور» و «عجاز‌آمیز» بود. پدیداری و به ویژه پیروزی آن در ایران، موجی شده که هم اینک شاهد پس موج‌های پیامد آن یکی پس از دیگری هستیم. به تعبیری بیداری و خیزش انقلابی اسلامی منطقه و جهان و جهانی اسلام، پس‌موج‌ها و پس‌لرزه‌های زلزله عظیم و موج سونامی فزاینده انقلاب و انقلابی اسلامی می‌باشند. پس‌موج‌هایی که در گستره جهان اسلام، نخست در ایران اسلامی پدیدار شده و از آنجا تموج یافته و می‌یابد.

انقلابی با شعائر، استقلال، آزادی و جمهوری اسلامی می‌باشد. چنان که به مثابه شالوده‌های هم شعورخیز و در عین حال شورانگیز حکمت‌آمیز و حرکت‌آفرین آندند. شاخصه‌هایی که هم‌اینک در تمامی جریانات و در تمامیت جریان بیداری و خیزش انقلابی اسلامی شاهد آن هستیم. ولو کمابیش و با تفاوت شیوه و شدت و شتاب که به تناسب مقتضیات هم ملی و هم مذهبی هر یک از این کشورهاست.

استقلال از سلطه بیگانه و وابستگی سیاسی - نظامی، اقتصادی و فرهنگی نه تنها نیروها و نهادها و نیز دولت‌ها و قدرت‌های بیگانه استکباری یا امپریالیسم، چه شرق و چه غرب، با شعار نه شرقی و نه غربی، می‌باشد. بلکه استقلال از سلطه و وابستگی نظری و علمی به نگاه، نظریه و مکتب مدرنیسم اعم از لیبرالیسم و سوسیالیسم و فراتر از آن استقلال از سلطه و وابستگی مدل (ساختاری و نهادی) و الگوی (روابط و رفتاری)؛ چه لیبرالیسم یا کاپیتالیسم یعنی سرمایه‌سالاری و چه توتالیتیریسیم یا دولت‌سالاری است. یکی، یعنی لیبرالیسم و سرمایه‌سالاری هم اینک با بحران فزاینده اقتصادی، سیاسی و فرهنگی به ویژه خلاء معنوی تا سر حد بن‌بست مواجه بوده و در معرض فروپاشیست. دیگری یعنی سوسیالیسم به ویژه کمونیسم و بالاخص مارکسیسم و توتالیتیریسیم پیشتر با فروپاشی شرق و اتحاد جماهیر سوسیالیستی شوروی روسیه فروپاشیده و به پایان راه و اتمام تاریخ خود رسیده است. هر دو و در حقیقت، در ماهیت و در واقعیت، اشکال حقیقت نادرست، ماهیت نارسا و ناسازوار و واقعیت ناکارآمد یا با کارآمدی تک‌ساختی مادی و تنازعی طبیعی فرویدیسمی (سود و سودا یا ثروت و لذت‌گرایی) و داروینیستی (سلطه‌گرانه امپریالیستی) مشکل‌آفرین فرهنگی، سیاسی و اقتصادی خود را بروز داده‌اند.

پیروزی انقلاب اسلامی ایران در حقیقت پیروزی پدیده انقلاب اسلامی در ایران بوده و حتی پدیداری این پدیده از ایران می‌باشد. بلکه انقلاب اسلامی نمونه ایران بوده است. کما اینکه توفیق نظام‌سازی و تأسیس نظام بدیع جمهوری اسلامی در ایران، این جریان را برجسته کرده است. چنان‌که باور آن و باور بدان را بارور نموده و نهادینه نموده و نمایندگی نیز می‌نماید. از سر گذراندن و پشت سر گذاشتن موفقیت‌آمیز هر چه تمام‌تر مراحل شکل‌گیری و بلکه مراتب وجودی تحول و تکامل این نظام و در حقیقت تحقق این نگاه و نظریه، الهام و امید بخشی زیادی را فراهم یعنی هم ایجاب ساخته و هم ایجاد نموده است. آن هم با پرداخت

هزینه‌های ولو به ظاهر سنگینی که این ملت از حیث مادی و معنوی و به ویژه نیروهای انسانی ارزشمند با تقدیم صدها هزار شهید پرداخت نمود.

مراحل و مراتب انقلابی؛ یکی و نخست گذار، نهادسازی و تأسیس نظام‌سازی جمهوری اسلامی ایران، دوم تثبیت و دفاع مقدس و سوم بازسازی، توسعه زیربنایی و سازندگی می‌باشد. همچنین در دهه چهارم و چهارمین دهه حیات پر تحول و پر تحرک خویش نیز به عنوان چهارمین مرحله یا مرتبه چهارمین، هم اینک توسعه متعالی اقتصادی، سیاسی و فرهنگی، معنوی و اخلاقی خود را فراز آینده خود دارد. کما اینکه در عین حال با چالش ارتقای هرچه فراتر کارآمدی؛ بهره‌وری و اثربخشی و روزآمدسازی هر چه فراتر آن فرارو می‌باشد. این نظام و کارآمدی و توفیقات روزا افزون آن، هم فرصتی تاریخی برای اسلامیت و ثبوت و اثبات کارآمدی و جمهوریت آن، از سویی است. هم فرصتی تاریخ‌ساز برای جمهوریت و تعادل و مشروطیت آن یعنی جمهوری متعادل و حتی متعالی مشروطه اسلامی از دیگر سو می‌باشد. به ویژه در قیاس با جمهوری‌های مطلقه و به اصطلاح امثال ورکلاف و موفه؛ دموکراسی‌های افراطی است.

نگاه‌ها، نظریات و نظام‌های سیاسی در ظاهر دموکراسی ولی در باطن الیگارشی‌های بحرانی و بحران‌زا بوده که خود نوعی به اصطلاح سلطه ۱٪ بر ۹۹٪ می‌باشند. تا جایی که اگر گفته شود گونه‌ای به تعبیر ارسطویی حکومت مرکب و سلطنت استبدادی مرکب (بسان جهالت مرکب در قیاس جهالت بسیط) و پنهانی بوده ولو با ظاهر مردم‌سالارانه ولی در عمل سرمایه‌سالارانه (الیگارشی) هستند.

۲. جریان بیداری و خیزش انقلابی اسلامی

حوادث جاری منطقه اولاً یک جریان بوده و جریانی پیوسته می‌باشد. ثانیاً بیداری و خیزش، آن هم انقلابی و اسلامی است. پیوستگی این جریان، برخلاف گسست تاریخ فوکویی بوده که از طریق برخی نواندیشان مسلمان بسان محمد اركون در جهان اسلام و ایران انتشار یافته است. کما اینکه حتی خود فوکو نیز بر خلاف نظریه گسست خویش، در جریان انقلاب اسلامی ایران گونه‌ای پیوست در یافته است. چنان که در کتاب *ایرانی‌ها چه رؤیایی دارند؟ و نیز انقلاب ایران؛ روح جهان بی‌روح*، بدان اذعان نموده است. جریان بیداری و خیزش اسلامی جاری را می‌توان در سه سطح و گستره کوتاه‌برد و کوتاه مدت، میان‌برد و میان مدت و بلندبرد و بلندمدت مطرح و مطمح نظر قرار داد.

یکی و در کوتاه‌مدت و کوتاه‌برد؛ در بُرد انقلاب و انقلابی اسلامی می‌باشد و در گستره منطقه به اصطلاح خاورمیانه بزرگ عربی و اسلامی و در واقع آسیای غربی و شمال آفریقا جریان دارد. دیگری و در میان‌مدت و میان‌برد؛ در بُرد تجدید حیات دینی و تمدنی اسلامی است و در گستره جهان اسلام بوده و محسوب می‌گردد.

سوم و در بلندمدت و بلندبرد؛ در بُرد معنا و معنویت‌گرایی و تمدن معنوی و متعالی می‌باشد و پسامدنیّت و

مادیت‌گرایی نخستین یا میانی و جدید تحت عنوان مدرنیسم است. به مثابه حرکتی پسامدرنیستی و پساپست‌مدرنیستی و فرامدرنیستی و در گستره جهانی می‌باشد. یعنی در گستره جهان اسلام بوده و بلکه در گستره مسلمانان جهان و در گستره جهانی به شمار می‌آید. از سلطه‌ستیزی جهانی بوده و تا معنویت و دیانت‌گرایی جهانی می‌باشد.

در کوتاه‌برد و کوتاه‌گستر، همان‌گونه که اشاره شد، اینها امواج و پس‌موج‌ها و پس‌لرزه‌های موج بلند انقلاب اسلامی بوده که در ایران و به تعبیری از ایران پدیدار و پیروز شد.

پس‌موج اول، حرکت‌های نخستین در سرتاسر منطقه و جهان اسلام بلافاصله پس‌پیروزی انقلاب و در سالیان آغازین توفیق تأسیس نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران، نمایان‌گر موج و پس‌موج نخستین آن بود. مقاومت لبنان و انتفاضه(های) فلسطین و حتی پیروزی اسلام‌گرایان در بسیاری از کشورها در انتخابات محلی و ملی تا روی کار آمدن دولتی با ادعای اسلام‌گرایی در ترکیه، همگی از آثار موج و پس‌موج نخستند. پس‌موج دوم، از قریب دوسال پیش از تونس آغاز شده و تا مصر را در نوردیده است. هم‌اینک بحرین و یمن در این موج یا پس‌موج و در این جریانند.

پس‌موج سوم و سومین موج یا پس‌موج انقلابی اسلامی یقیناً بسیاری از کشورهای منطقه و جهان اسلام را یکی پس از دیگری در خواهد نوردید. مقدمات این جریان هم اینک در حال فراهمی بوده و آثار و نشان‌های اولیه آن در حال رخ نمودن می‌باشند. بسان آتشفشانی که در حال انباشت انرژی پشیا انفجار و آتشفشانی است. چه بسا این موج یا پس‌موج فراگستر جهان فراسلامی نیز شده و گستره آن جهان پیرامونی و فراپیرامونی جغرافیای سیاسی اسلامی و مسلمانان جهان را فراگیرد.

بیداری و خیزش میان‌برد و میان‌گستر که در عین حال پیشینه تاریخی و تمدنی این جریان و سیر آن را بر می‌نمایند، به سیر تجدید حیات امت اسلامی و مکتب اسلام و تمدن اسلامی بر می‌گردد. اسلام به عنوان مکتب متکامل (سیر کمالی پلکانی از شریعت آدم تا یهودیت و مسیحیت و تا رسول خاتم به مصداق؛ «تلك الرسل فضلنا بعضهم علي بعض» (بقره / ۲۵۳) و کامل (یا جامع) توحید و توحیدی، از بدو ظهور با سرعتی شگرف، روی به گسترش نهاد. چنان‌که در مدتی کوتاه، اقصی نقاط جهان متمدن عصر را در هم نوردید و هم اینک نیز در منطقه‌ای به وسعت میانه اقیانوس آرام تا هند و اقیانوس کبیر را نیز فرا گرفته است. آن هم در میانه عالم، با منابع و مواهب خدادادی سرشار، موقعیت بی‌نظیر راهبردی و نیروهای انسانی و ثروت انسانی نه تنها تأثیرگذار بلکه تعیین‌کننده در هرگونه مناسبات، روابط و نظام جهانی است. به ویژه با مکتب دینی و مدنی، اجتماعی و سیاسی توحیدی دو ساحتی مادی و معنوی متعادل و متعالی اسلام که در اختیار دارد و ظرفیت نواندیشی دینی سیاسی که به صورت فزاینده در جریان است.

کما اینکه در تمدن پیشین اسلامی، اشکال تحریف و انحراف در راهبری راهبردی و راهبرد راهبری

مکتب، نقطه آغاز اِشکال مشکل آفرین درونی در دولت، نظام سیاسی و امت نوپای اسلامی و در جهان اسلام شد. اختلاف مذهب ناشی از آن و آنگاه سوء استفاده ابزاری سیاست‌بازان حرفه‌ای و تنازعات داخلی، این تمدن عظیم را به ضعف کشانید، جنگ‌های دو‌یست ساله صلیبی و حملات وحشیانه مغول و تاتار طی سه موج (چنگیزی - هلاکویی - تیموری) در مدت قریب دو قرن، رمق از تن این تمدن برد.

تجدید حیات غرب و نفوذ و سلطه استعماری آن بر جهان اسلام مزید بر علت گشته و مسبب وابستگی و عدم توسعه یا از توسعه‌ماندگی آن گردید. حسیض ضعف و ذلت مسلمانان، پیشتازان اصلاحگری اسلامی را به فکر چاره انداخت. پیروزی جریان اجتهادی در حکمت بر رکود فکری و سفسطه (فلسفه نمایی و به تعبیر ملاصدرا در کسر اصنام جاهلیه؛ متفلسفین و سوفیسم) و جریان اجتهادی در فقاقت بر اخباری‌گری به ویژه با حکمت متعالی معطوف به سیاست صدرایی از سوی و فقه اصولی و اجتهادی استاد وحید بهبهانی تا در نهایت شیخ انصاری آغازی علمی بر این حرکت عملی و اصلاحیست. آمیزشی بهینه که با سید جمال‌الدین اسدآبادی در مقام شارح حکمت متعالی و به عنوان فیلسوف شرق و شاگردی و نمایندگی شیخ انصاری و تلفیق حکمت و فقاقت، پرچم بیداری و خیزش انقلابی اسلامی بلند شده و به اهتزاز در آمد. (ر.ک: محیط طباطبایی، بی‌تا) چنان‌که در اقصی نقاط جهان اسلام از هند تا ایران و ترکیه عثمانی و مصر و شامات گسترش یافت. (ر.ک: صاحبی، ۱۳۶۷)

بازنگری و بازبینی که در آراء، آثار و سخنان و نامه نگاشته‌های سید جمال به ویژه در مقالات و سرمقالات مجله عروه الوثقی به قلم سید و شاگردان برجسته مصری وی یعنی محمد عبده و محمد رشید رضا (پدر بنیادگرایی اسلامی اهل تسنن)، از پیشگامان و راهبران بعدی نوخیزی جهان سنی مصر و شامات و شمال آفریقا، در این زمره‌اند. (ر.ک: اسدآبادی، بی‌تا؛ رشیدرضا، ۱۳۶۱)

سیر تجدید حیات پس از طی مرحله بازنگری، بازبینی و بازگویی اصلاحی و انقلابی آموزه‌های دینی - مدنی اسلامی وارد با نگاه، نظریه و نهضت دینی سیاسی مشروطیت در سرتاسر جهان اسلام وارد مرحله جدیدی شد. نظریه‌پردازی (آن هم بیشتر توسط علمای دینی و نه جریان روشنفکری) و پیروزی این نهضت ضد استبدادی و تأسیس نظام سیاسی مشروطیت اسلامی سلطنتی در ایران، خود جهشی در جهت قانون و عدالت و اسلام‌گرایی و نهادینگی آن بود. به نوعی پله و مرتبه پایه و پایگذاری انقلاب اسلامی نیز بوده و به شمار می‌آید. (ر.ک: مطهری، ۱۳۶۸) سرکوب جریان مشروطیت بیداری و خیزش انقلابی اسلامی در اقصا نقاط جهان اسلام به ویژه در هند و با کودتا در مصر و تحریف و انحراف مشروطیت در ایران منجر به جابه‌جایی قدرت‌ها و دولت‌های بیگانه به ویژه سلطه انگلیس با شعار مشروطیت موضوعه در مقابل استبداد مطلقه که روسیه تزاری آن عصر حامی آن بود، مسلمانان را در تداوم به فکر بازگشت انداخت. محمد اقبال لاهوری. (ر.ک: اقبال لاهوری، بی‌تا الف و بی‌تا ب)، پرچمدار موج دوم تجدید حیات با شعار بازگشت به خویشتن دینی

و اسلامی خویش شد (ر.ک: شریعتی، ۱۳۶۱؛ همو، بی‌تا؛ مطهری، ۱۳۶۸)

نهضت‌های ضد استعماری استقلال‌طلبان، دومین موج تجدید حیات دینی - مدنی اسلام‌گرا که در ایران با نهضت نفت گره خورده و در بسیاری از کشورهای جهان اسلام و با فروپاشی دولت عثمانی، به تأسیس دولت - ملت‌های جدید و لو به ظاهر مستقل منجر شد. ملی شدن کانال سوئز و حتی استقلال هند را در این زمره می‌توان دانست. با استعمار نوین و نفوذ پنهانی به جای سلطه آشکاره بیگانه و این بار توسط امپریالیسم بلوک غربی - کاپیتالیستی - امریکایی و بلوک شرقی - سوسیالیستی - شوروی، جریان نوخیزی وارد مرحله جدیدی شد. در ایران با کودتای ۲۸ مرداد امریکایی، در قریب یک دهه با نهضت خرداد ۴۲ مواجه شده و بلافاصله وارد مرحله (فاز) انقلابی اسلامی ضد استبدادی داخلی و ضد استکباری خارجی گردید. بدین ترتیب انقلاب اسلامی موج سوم و سومین موج تجدید حیات تفکر و تمدن اسلام‌گراست. بدانسان که در تداوم بیداری و خیزش انقلابی اسلامی خاورمیانه به ویژه بخش عربی آن، امواج یا پس‌موج‌های این موج بلند بوده و به شمار می‌آید.

فراتر از این، امواج سه‌گانه تمدنیست. تجدید حیات تمدن اسلامی و انقلاب اسلامی و بیداری و خیزش انقلابی اسلامی، خود آغازگر موجی فرابند و فراگستر معنوی و دینی است. در این نگاه، بشریت در موج نخست، با گذار از بدویت به مدنیت با تأسیس دولت، حیات سیاسی خویش را آغاز نموده است. موج مدنی و سیاسی با اختراع دولت از چندین هزاره پیش که بین‌النهرین و ایران، یقیناً و به تأیید تاریخ. (ر.ک: صدرا، ۱۳۸۶؛ فوکو، ۱۳۷۷) این موج برای بشریت یا بشریت طی این موج نخستین مدنی، تمدنی و سیاسی، تجارب زیادی در زمینه زندگی سیاسی و اجتماعی و نهادسازی و قانون‌گذاری و دین‌مداری را کسب نموده است. حکمت جاودیان شرقی - ایران، بنیاد، نهاد و نماد آنست. تمدن مادی جدید و طی قرون متمادی گذشته تا کنون نیز که موج دوم مادی و ابزاری تمدنی بوده، امکانات مادی، فناوری و ابزاری لازم فراهم ساخته است. اگوست کنت فرانسوی پدر پوزیتیویسم و علم و فلسفه و به ویژه علم سیاست مدرنیستی پوزیتیویستی که آن را اوج علمی مدرن تلقی و تعبیر می‌نماید مدعیست که پیشتازان علوم جدید تجربی، دانشمندان اسلامی همچون ابن سینا و خواجه نصیر هستند. دانشمندانی که مسلمان و ایرانی‌اند. هم اینک بسان هوایمایی که بعد از طی مسافتی در باند فرودگاه، بایسته است از زمین‌کننده شده (به اصطلاح تیک آف کند) و به پرواز درآید، هرگونه تداوم در باند زمینی و به اصطلاح تمدن تک‌ساحتی مادی مدرنیسم، بیشا این، کارامدی نداشته بلکه چه بسا زیان‌آور و حتی خطرناک است و شایسته پرواز و تعالی فرهنگی؛ معنوی و اخلاقی فرای توسعه اقتصادی و حتی توسعه و تعادل سیاسی و اجتماعی است. قانون مراحل سه‌گانه دینی اساطیری، عقلی فلسفی و علمی پوزیتیویستی اگوست کنتی که بیشتر غرب مدار بوده قادر به تفسیر دقیق و تحلیل درست آن نیست.

امواج سه‌گانه دمکراسی هانتیگتون نیز اگر چه اصل امکان و ظرفیت دمکراسی و نیز توسعه در اسلام را

پذیرفته ولی باز فاقد توانایی تفسیر و تحلیل تاترسیم و تحقق بهینه و به سامان این جریان است. کما اینکه نظریه یا راهبرد و دکتربین برخورد تمدن‌ها، مبین ناکارایی امواج سه‌گانه دمکراسی وی در تفسیر و تحلیل و در جریان تحقق عملی و عینی است. همچنین طرح بحران هویت و معنویت و خلأ دیانت از طرف وی در آخرین ماه‌های زندگی خود نیز ضمن رد نگاه امواج سه‌گانه دمکراسی و حتی برخورد تمدن‌های خود وی، مبین و متضمن ادعای موج سومین معنوی در این اثر می‌باشد.

امواج سه‌گانه تمدنی کشاورزی، صنعتی و فراصنعتی یا انقلاب و انفجار ارتباطات و اطلاعات تافلری نیز که باز مادی ولو نرم‌افزاری بوده، چیزی جز دکترینی تحریفی و انحرافی در این راستا نبوده و نیست. معنویت و متعالی که تعالی فرهنگی، معنوی و اخلاقی را فرای توسعه مادی، دنبال می‌نماید، موج سوم تمدنی بشری و بشریت بوده و در ماهیت و مبانی و در حقیقت و مبادی تمدن انسانی و انسانیت، فاضله، الهی و خدایی یا خدایگونی و به تعبیری متعالی به شمار می‌آید. موج تمدن معنوی و متعالی توحیدی که با انقلاب اسلامی باز در ایران و از ایران آغاز شده است. (فوکو، ۱۳۷۷؛ فوکو، ۱۳۷۹)

۳. بیداری و خیزش انقلابی اسلامی جاری

الف) بیداری و خیزی انقلاب اسلامی هم اینک در منطقه عربی خاورمیانه جریان داشته و جریانی فزاینده و فراگستر تا فراگیرست. بلکه این چنین جریانی بوده و همچنان خواهد بود. کما اینکه تمامی قرائن، دلایل و تحلیل‌ها نشانگر و مؤید آنست. جریان بیداری و خیزش اسلامی، به تناسب مذاهب و ملیت‌ها و مقتضیات داخلی و خارجی هریک از کشورها، دولت‌ها و نظامات و جوامع اسلامی متمایز و حتی متفاوت بوده و می‌باشد. در جوامع شیعی، راهبران مذهبی، جلودارند. کما اینکه چه در قالب و قواره مقاومت اسلامی و چه انقلاب اسلامی رخ می‌نمایند. در جوامع سنی، به سبب برخی محافظه‌کاری‌های راهبران دینی سنتی، بیشتر جوانان مسلمان پرچمداری و پیشتازی حرکت‌ها را بر عهده دارند. چنان‌که از زمان سیدجمال‌الدین اسدآبادی نیز وقتی به جوامع شیعی نامه نوشته و می‌نویسد، خطاب آن به مجامع و مراکز و راهبردی دینی و مذهبیست. (خسروشاهی، ۱۳۵۰: ۲۰۷ - ۱۹۷) ولی بر فرض وقتی به مصر و مصریان نامه می‌نویسد، خطاب او به جوانان مصر است. (همان: ۲۴۷ - ۲۴۲)

برای نمونه حکیم معاصر استاد محمدرضا حکیمی تنی چند را تحت بیدارگران اقالیم قبله بر شمرده که سیدجمال پرچمدار آن و آنان است. ولی در این میان امام یقیناً بسان خورشید درخشان این نور روشنگر و بیدارگر خیزشگر انقلابی اسلامی بوده و به شمار می‌آیند. به تعبیر حکیمی

یکی از مسائلی که از ۱۵۰ تا ۲۰۰ سال پیش برای کشورهای اسلامی و مردم مسلمان مطرح شد و در تصویری وسیع‌تر، برای همه مردم مشرق زمین، توجه به تحولات غرب بود و مجهز شدن به این تحولات و اخذ این تمدن. در این مرحله مصلحان چنین اندیشیدند که باید از این تحول در حدی معقول اخذ کرد. (حکیمی، بی‌تا: ۲۳)

به تصریح وی:

غرض از حد معقول این بود که زبان‌های توأم با آن گرفته نشود، مقدار گرفته شده به مواریث و دین و دیگر ارزش‌های شرق زیان نرسد، مقهوریت و مغلوبیت ذهنی و سیطره پذیری در نفوس شرقیان پدید نیاید، و این رابطه و اخذ موجب باز شدن پای عوامل غربی و ایادی بیگانه نگردد. به عبارت دیگر، در این اخذ و رابطه، شخصیت شرقی و مثل اعلای اسلام مصدوم نگردد. و شرق بی‌درنگ خود را مجهز و بی‌نیاز نیز بسازد. آگاهان سخت به این امر می‌اندیشیدند و نمی‌خواستند طوری شود که غربیان از راه عرضه این تحول و مسائل نو، همه چیز را دگرگون کنند و کینه‌های دیرینه را ملاک عمل گیرند و به نشر بردگی مدرن در سرتاسر مشرق زمین پردازند. (همان)

اگر از همان نخست، مردم از درد این آگاهان - که یکی از بزرگترین و پیشروان این گروه سیدجمال‌الدین بود - آگاه گشته بودند و در پی آنان گام برداشته بودند، آن صورت معقول عملی می‌گشت. اما چنان نشد و دهه‌هایی چند گذشت و دیر شدن و از دست رفتن فرصت، کار خود را کرد و آن‌گونه شد که برخی از عناصر مستبد و خام - و احياناً خائن - پاره‌ای از نمونه‌های پوک و بی‌محتوای آن مظاهر را پیشنهاد و عملی کردند، و از راه نیروی دشمن تأیید گشتند. و زبان‌ها رسانیدند و تباهی‌ها آفریدند. و شگفتا که خادم و نوآور و مترقی هم - البته در نظر اکثریت ناآگاه - به شمار آمدند. این سرنوشت بسیاری از کشورهای شرقی و اسلامی بود. (اسدآبادی، بی‌تا: مقدمه / ۱۰ - ۸)

چنان‌که برخی تعبیر کرده‌اند، به جای «تمدن لابراتوارها»، «تمدن بلوارها» بر ما وارد شد و عوامل دست‌نشانده بیگانه و خائن به اسلام، در ایران نیز چنین زمینه‌ای را فراهم کردند و این زبانی بزرگ بود که روز به روز فزونی گرفت تا به وضع کنونی رسید. در برابر چنین زبانی نیز جز با آگاهی داشتن و آگاهی دادن نتوان ایستاد. سید جمال، مصلح بزرگ؛ میرزا محمد تقی شیرازی (میرزای بزرگ شیرازی)، فتوادر بزرگ؛ شیخ محمد خیابانی، عقل بیدار؛ شیخ محمد جواد بلاغی نجفی از برجسته‌ترین بیدارگران اسلامی در نگاه و نظریه حکیم حکیمی‌اند.

گفتمان بیداری و خیزش انقلابی، تجدید و تأسیس تفکر و تمدن نوین اسلامی به ویژه در گفتمان سیاسی امام خمینی که با سید جمال و با پرچمداری وی و از قریب یک و نیم قرن پیش آغاز شده است، در موج نخست پس از بازنگری در تحریفات دینی اسلامی و سیاسی و هشدار بیدارباش و بازبینی وارد موج نخست خود یعنی نهضت آزادی طلبانه مشروطیت اسلامی ضد استبدادی سلطنت مطلقه به اصطلاح علامه نائینی، «به قدر متیقن»؛ به اندازه فهم و فکر ما و «به قدر مقدور»؛ به تناسب توان و مقتضیات زمان گردید.

می‌توان پیشتازی و پشتوانه حکمت متعالی صدرایی از سویی و پیروزی مکتب اجتهادی و اصولی و عقلی از استاد بزرگ، آقاوحید بهبهانی تا مکتب فقهی خاتم فقهاء، شیخ مرتضی انصاری را در این جریان آن هم نه تنها در ایران و در شیعه، هم در گفتمان بیداری و خیزش انقلابی اسلامی و هم در گفتمان بیداری و خیزش

انقلابی اسلامی امام باز یافت که توسط سید جمال تجمیع شده و با تحرک علمی در مقام فیلسوف شرق شارح حکمت متعالی و شاگرد مستقیم شیخ انصاری و حتی به نمایندگی و با نامه وی و با تحرک علمی در مقام بیدارگر شرق و اقالیم قبله انجام و آغاز شده و بلکه بنیانگذاری گردید. کما اینکه به تأیید و تأکید مطهری، شاگرد برجسته امام و ریاست شورای انقلاب اسلامی، نیز در کتاب *نهضت‌های اسلامی در صد ساله اخیر خود*: «بدون تردید سلسله جنبان نهضت‌های اصلاحی صدساله اخیر، سیدجمال الدین اسدآبادی معروف به افغانی است». (مطهری، ۱۳۶۸ ب: ۱۳) به تصریح ایشان: «او (سید جمال) بود که بیداری‌سازی را در کشورهای اسلامی آغاز کرد». (همان) با این راهبرد که: «دردهای اجتماعی مسلمین را با واقع‌بینی خاصی بازگو نمود و راه اصلاح و چاره جویی را نشان داد». (همان) بعد محمد عبده و بعد عبدالرحمن کواکبی و بعد علامه محمد اقبال لاهوری، راه او را ادامه دادند (همان) و از طریق شاگردان و پیروان سید همانند محمد عبده و محمد رشیدرضا و با همفکری و همگامی آنان این جریان در مصر و جهان اهل سنت نیز بازتاب یافت و به شکستن سد باب اجتهاد و فتح مجدد آن در فقه سنی انجامید. (ر.ک: عنایت، ۱۳۶۵) کما اینکه با بازنگری و بازبینی و حتی بازگویی و بازنویسی آموزه‌های اصیل بیدارگر و برخیزاننده انقلابی اسلامی همانند سرمقالات روزنامه عروۃ‌الوثقی به قلم خود سید و عبده و رضا، شروع شده و تا بازخیزی و نهضت مشروطیت فراز می‌آید. (ر.ک: اسدآبادی، بی‌تا)

راهبرد راهبری و راهبری راهبردی این جریان در منطقه و جهان اسلام، راهنمودهای راهبری و تجربه انقلابی نظام جمهوری ایران بوده و می‌تواند باشد. البته هر کجا با متقضیات و ویژگی‌ها و حتی الگوی خاص خویش و با راهبری میانی و مدیریت اجرایی ویژه خود، به ویژه در کشورهای همانند مصر که می‌تواند الگوبخش سایر جوامع عربی و سنی و افریقایی باشد.

ب) افزونی سلطه استبدادی - استکباری داخلی - خارجی جوامع اسلامی به ویژه ستمگری بی‌حد و حصر همراه با تحقیرآمیزی صهیونیستی اسرائیل و مظلومیت ملت فلسطین و حتی لبنان به پشتیبانی به ویژه غرب و امریکا از سویی و مقاومت اسلامی ملهم از انقلاب و دفاع مقدس اسلامی ایران و پیروزی‌های آن در مقابل خط سازش از دیگر سو، موجب تشدید این موج بیداری و خیزش اسلامی گردیده است. پیروزی‌های اخیر انتفاضه اسلامی غزه و فلسطین، در تهاجمات و دفاع ۲۲ به ویژه ۸ روزه اخیر و تحمیل بی‌سابقه شرایط خود بر اسرائیل، آغازی بر پایانی است که موج بیداری را جهت داده و جان می‌بخشد. (ایستادگی ۵۰ روزه غزه و سرباز کردن مجدد نهضت مردمی یمن و پیروزی آن تا مرز تشکیل دولت و تداوم حرکت مردم بحرین، خود گواه این جریانست)

ج) بحران سرمایه‌داری (معروف به وال استریت و سیطره ۱٪ بر ۹۹٪) و کلیت مدرنیسم و سوسیالیسم از سویی و اشغال سرزمین‌های اسلامی به ویژه تهاجم به افغانستان و عراق با اهداف امپریالیستی و با شعائر

مبارزه با تروریسم و سقوط صدام و همانند اینها و به ویژه درگیر کردن نیروهای ناتو در منطقه و خروج و بلکه اخراج و گریز گزیرناپذیر آنان از این کشورها، ضمن تشدید بحران غرب و بروز ناکارآمدی و نیز بطلان آنها، به تشدید و تسریع و نیز تسهیل و گسترش برد و دامنه بیداری و خیزش انقلابی اسلامی منطقه‌ای و جهان اسلامی و در آینده جهانی اسلامی منجر شده و بر آن افزوده و خواهد افزود.

د) مهندسی، راهبری و مدیریت اجرایی و آسیب‌شناسی و آسیب‌زدایی راهبردی علمی، عملی و عینی جریان جهانی بیداری و خیزش انقلابی اسلامی، خط میانه متعادل و متعالی سازش‌گری تفریطی (کنسرواتیسم؛ محافظه‌کاری) و شورش‌گرایی افراطی (رادیکالیسم) به مثابه آفات درونی آنست. چنان‌که هم‌اینک برخی گروه‌ها و جریان‌ات محافظه‌کار و سازشکار از سویی و برخی گروه‌ها و جریان‌ات و حتی کشورهایی بسان سلفی‌گری، وهابیت، القاعده، طالبانی و تکفیری (النصره سوریه و داعش) و خاندان سعودی عربستان آن را نمایندگی و راهبری و حمایت و تقویت می‌نمایند. این جریان بدون بهداشت، درمان و جراحی این غده‌های چرکین، مواجه با تحریفات و انحرافات زیادی بوده و به این سبب آسیب‌پذیر بوده و است و خواهد بود. کما اینکه بدین سبب و به همین نسبت هزینه‌های معنوی و مادی زیادی و گاه جبران‌ناپذیری را بر روند موج بیداری و خیزش انقلابی اسلامی و بر امت اسلامی تحمیل خواهد ساخت. بدانسان که امروز در حوادث سوریه برای شکست جبهه مقاومت و ایجاد رخنه در آن، با طراحی صهیونیستی - امریکایی - غربی، پشتیبانی ارتجاعی عربی به ویژه قطر و عربستان و با پایگاه دولت به ظاهر اسلام‌گرای سکولاریستی ترکیه شاهد آن هستیم.

ه) هرگونه کندروی و محافظه‌کاری یعنی نارسایی یا تندروی و افراط‌گرایی یعنی ناسازواری حقیقت معنوی و ماهیت انقلابی اسلامی این واقعیت، یعنی واقعیت این بیداری و خیزش، از ناحیه هر کس و هر نیرو یا نهاد و هر طرفی، خسارت بار است. به ویژه به همان میزان، از همان نوع و به همان طرف می‌باشد. چه از ناحیه نیروها و نهادهای بیداری و خیزش انقلابی اسلامی و به ویژه راهبران دینی و مدنی، اجتماعی و سیاسی آنان بوده؛ چه از ناحیه ریاست‌های بالا، میانی و حتی مدیریت‌های پایین و به ویژه دولت‌ها و دولتمردان نوحاسته باشد. همان گونه که در مورد مصر و اخوان المسلمین شاهد آن بودیم. چه از جانب قدرت‌ها و دولت‌های ارتجاعی استبدادی - سلطنتی و ملوکی خواه عربی یا غیر عربی منطقه بوده و چه حتی قدرت‌های استکباری فرامنطقه‌ای و بلکه خود رژیم جعلی صهیونیستی اسرائیل و توطئه‌های مداوم آن و آنها به شمار آید.

کمترین تحلیل حوادث و جریان‌ات جاری، به روشنی نشانگر آنست که جریان نوخیزی ولو تا کنون بارها که با تهدید، تهاجم و سرکوب و حتی انحرافات سازشگری - شورشگری مقطعی مواجه شده ولی جریان اصلی نه تنها هیچ گاه و به هیچ وجه از سیر و مسیر اصلی تحریف و منحرف نشده بلکه اگرچه گاهگاهی نیز به تعویق و تأخیر افتاده، ولی تقلیل نیافته بلکه تعمیق و تشدید شده است. حتی سرعت بروز و پیشروی این جریان در حوادث اخیر نیز یکی ناشی از این تراکم شدید و انباشت انرژی متراکم خشم فروخته و عزت در

هم شکسته‌های توده‌های مردمی بوده و می‌باشد. در هر صورت حتی به نفع غرب بوده که ولو حقیقت معنوی و ماهیت انقلابی این جریان واقعی نوخیزی را درک نکرده که نمی‌کند، حداقل احتیاط را رعایت نموده و به جای تهدید یا توطئه به منظور تقلیل یا تحریف، در فکر تسلیم به حقیقت واقعیت و پذیرش و به رسمیت شناساندن واقعیت حقیقی آن شده و با این کنار بیاید. بلکه بتواند به جای سابقه خونین، چرکین و نفرت انگیز چه تاکنون و چه در حال و یا آینده‌های محتمل، تاحدودی جبران مافات نموده و انتظار مناسبات سالم و سازنده‌ای در آینده باشد. آنهم در منطقه خاورمیانه بزرگ اسلامی که تعیین کننده معادلات نه تنها سیاسی و امنیتی، بلکه اقتصادی و به ویژه فرهنگی و مدنی جهان و جهانی بوده و همچنان و بلکه در آینده بیشا پیش خواهد بود.

در این صورت این چنین راهبردی برد - برد و سودهمگانی و همگی طرف‌های ذیربط و ذینفع و مؤثر است. هم به سود منطقه، چه مردم و چه راهبران و دولتمردان آن بوده اعم از اینکه در جبهه مقاومت قرار داشته یا هنوز خارج از آنند. و هم به سود دولت‌ها و به ویژه کشورها و مردم جوامع سایر بخش‌های فرامنطقه‌ای و جهان و جهانی خواهد بود. حتی آنانی که هم اینک و هنوز در جبهه مقابل و بلکه مقابله متقابل مقاومت بوده یا به شمار می‌آیند. در صورتی که همگی از جهالت چه بسیط و چه مرکب بیرون آمده و تحلیل و تفسیر درست و دقیقی نسبت به اوضاع، شرایط و جریان بیداری و خیزش انقلابی اسلامی دور زاد و دیرپای یابند، می‌توان به نگاه و نظریه واقعی، یقینی و حقیقی دست یافته و با گرایش به حکمت سیاسی متعالی، از جریانات تاریخ‌ساز کنونی نظام نوین جهانی به نظام جهان نوین گذر نمود. این مهم با به رسمیت شناختن قطب جهانی اسلامی فزاینده، در هندسه نظام منطقه‌ای و بین‌المللی، ترسیم و تحقق‌پذیر می‌باشد.

نتیجه

بدین ترتیب بایسته و شایسته است موج بیداری و خیزش انقلابی اسلامی منطقه و در آینده جهان اسلامی و فراتر جهانی اسلام را در گستره‌های امواج دو یا سه‌گانه موج بلند انقلاب اسلامی تاکنون تعبیر و تفسیر نمود. انقلاب اسلامی خود موج سوم اصلاحی یا تجدید حیات مکتب و تمدن اسلام‌ست. موج ضد استکباری، ضد استبدادی و مردم‌سالارانه دینی با شعائر استقلال، آزادی و جمهوری اسلام‌ست. فرا امواج دوگانه، یکی نهضت ضد استبداد مشروطیت اسلامی سلطنت و دیگری، نهضت ضد استعماری ملی می‌باشد. کما اینکه موج فرابند تاریخی، فرابردی موضوعی (سیاسی، اقتصادی و فرهنگی) و فراگستر جهان و جهانی تجدید تمدنی و تمدن معنوی و متعالی توحیدی و اسلامی، خود موج سوم و بازپسین تمدنی بشری پسا گذار بدوی - مدنی شرقی - ایرانی، تمدن مادی - مدرنیستی ابزاری - فنی و اقتصادی غرب و غربی بوده و موج معنویت و متعالی‌گرایی فرهنگی و اخلاقیست.

موج معنویت‌گرایی که اوج آن مهدویت‌گرایی و زمینه‌ساز و پیش‌درآمد آن بوده و می‌تواند باشد، اشاره‌ای

گذرا به پرسمان اعم از معرفت‌شناسی، روش‌شناسی، پدیده‌شناسی شامل هستی‌شناسی، چیستی‌شناسی و چگونگی‌شناسی بیداری و خیزش انقلابی اسلامی است. همچنین، نگاهی پیشینه مدنی تاریخی و پشتوانه دینی و اسلامی، آن می‌باشد. همچنین بازکاوی سیر متکامل (امواج سه گانه تمدنی - تجدید حیات - انقلابی اسلامی) و ساختار کامل (ضداستکباری - ضد صهیونیستی، ضد استبدادی - ضد سلطنتی و مردم سالارانه) است. همین طور ترسیم چشم‌انداز فرآز آینده استقلال - آزادی - جمهوری اسلامی و توسعه متعالی تا همگرایی و تجدید و تأسیس تمدن اسلامی و تا تعالی فرهنگی، معنوی و اخلاقی و مهدوی و چالش ارتقای هرچه فراتر کارآمدی، بهره‌وری و اثربخشی اقتصادی، سیاسی و فرهنگی دولتی، عمومی و مردمی ملی و بین‌المللی و جهانی اسلامیت.

بدین سان، ضمن مطالب پیشین محتوایی مقاله بایسته است به اهم پرسه‌های پدیده و پدیده‌شناسی بیداری و خیزش انقلابی اسلامی پرداخت. پرسگانی فراگیر و فراهم آمده پرسه معرفت‌شناسی، پرسه روش‌شناسی و پرسه پدیده‌شناسی بیداری اسلامی است. به ویژه پدیده‌شناسی بیداری و خیزش انقلابی اسلامی که شامل و برآمد پرسش‌ها و پاسخ‌های مراتب سه‌گانه هستی‌شناسی یا چرایی و مبادی مدنی - انسانی، چیستی‌شناسی یا ماهیت دینی - اسلامی و چگونگی‌شناسی انقلابی - سیاسی یا نمودشناسی و مظاهر بیداری و خیزش انقلابی اسلامی بوده و به شمار می‌آید. کما اینکه شایسته است ولو به شکل اجمالی ولی به پیشینه تمدنی و پشتوانه دینی مکتبی مدنی توحیدی دو ساختی متعالی، سیر متکامل و ساختار کامل انقلابی اسلامی و چشم‌انداز و چالش بیداری و خیزش معاصر، جدید و جاری توجه کرد.

منابع و مأخذ

۱. قرآن کریم.
۱. اسدآبادی، سید جمال و محمد عبده و محمد رشید رضا، بی تا، *عروه الوثقی (سرمقالات روزنامه عروه الوثقی)*، ترجمه خلحالی، تهران، بی تا.
۲. اقبال لاهوری، محمد، بی تا الف، *احیای فکر دینی*، ترجمه احمد آرام، تهران، پایا.
۳. اقبال لاهوری، محمد، بی تا ب، *دیوان اشعار*، به کوشش احمد سروش، تهران، سنایی، چ ۱.
۴. امام خمینی، سیدروح‌الله، ۱۳۶۱، *صحیفه نور*، تهران، ارشاد.
۵. تافلر، الوین، ۱۳۷۵، *به سوی تمدن جدید، سیاست در موج سوم*، ترجمه محمد رضا جعفری، تهران، سیمرغ، چ ۲.
۶. حکیمی، محمدرضا، بی تا، *بیدارگران اقالیم قبله*، تهران، مؤسسه تحقیقات و نشر معارف اهل بیت.
۷. خسرو شاهی، سید هادی، ۱۳۵۰، *نقش سیدجمال‌الدین اسدآبادی در بیداری مشرق زمین*، نامه‌های سیدجمال‌الدین اسدآبادی، قم، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه.

۸. رشید رضا، محمد، ۱۳۶۱، *وحی محمدی*، ترجمه محمدعلی خلیلی، تهران، قیام، چ ۲.
۹. شریعتی، علی، ۱۳۶۱، *بازشناسی هویت ایرانی - اسلامی*، مجموعه آثار، شماره ۲۷، تهران، الهام.
۱۰. _____، *بی تا، بازگشت به خویشتن، بازگشت به کدام خویشتن؟*، مجموعه آثار، شماره ۴، تهران، حسینیه ارشاد.
۱۱. صاحبی، محمدجواد، ۱۳۶۷، *اندیشه اصلاحی در نهضت‌های اصلاحی*، تهران، کیهان.
۱۲. صدرا، علیرضا، ۱۳۸۶، *گرایش فلسفی سیاسی*، تهران، میزان.
۱۳. _____، ۱۳۸۷، *علم مدنی فارابی (و جامعه‌شناسی کنت)*، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۱۴. _____، ۱۳۹۲، *(پژوهش) چشم‌انداز اندیشه سیاسی جهان اسلامی*، تهران، دانشگاه تهران.
۱۵. عنایت، حمید، ۱۳۶۵، *اندیشه‌های سیاسی در اسلام معاصر*، ترجمه خرمشاهی، تهران، خوارزمی، چ ۲.
۱۶. _____، ۱۳۷۶، *سیری در اندیشه سیاسی غرب*، تهران، امیرکبیر، چ ۵.
۱۷. فوکو، میشل، ۱۳۷۷، *ایرانی‌ها چه رؤیایی در سر دارند؟* ترجمه معصومی، تهران، هرمس، چ ۳.
۱۸. _____، ۱۳۷۹، *ایران: روح یک جهان بی‌روح (و ۹ گفتگو دیگر با میشل فوکو)*، ترجمه سرخوش و جهان‌نیده، تهران، نشر نی.
۱۹. فوکویاما، فرانسیس، ۱۳۹۲، *پایان تاریخ و آخرین انسان*، ترجمه عباس و زهره عربی، تهران، سخن‌کده.
۲۰. محیط طباطبایی، محمد، بی تا، *نقش سید جمال الدین اسدآبادی در بیداری مشرق زمین*، قم، دفتر تبلیغات حوزه علمیه.
۲۱. مراد، آ. و حامد الگار، ۱۳۶۲، *نهضت بیداری در جهان اسلام*، ترجمه جعفری، تهران، شرکت سهامی انتشار.
۲۲. مطهری، مرتضی، ۱۳۶۴، *نهضت حسینی*، چ ۳، تهران: صدرا، چ ۴.
۲۳. _____، ۱۳۶۸ الف، *پیرامون جمهوری اسلامی*، تهران، صدرا، چ ۵.
۲۴. _____، ۱۳۶۸ ب، *نهضت‌های اسلامی در صد ساله اخیر*، تهران: صدرا، چ ۱۳.
۲۵. _____، *بی تا الف*، (مجموعه) *مقدمه‌ای بر جهان بینی اسلامی*، تهران و قم، صدرا.
۲۶. _____، *بی تا ب*، *پیرامون انقلاب اسلامی*، قم، دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم.
۲۷. نیچه، فردریش، ۱۳۸۴، *چنین گفت زرتشت*، ترجمه داریوش آشوری، تهران، آگاه، چ ۲۲.
۲۸. هانتینگتون، ساموئیل، ۱۳۷۳، *موج سوم دموکراسی*، در *پایان سده بیستم (م)*، ترجمه احمد شهسا، تهران، روزنه.
۲۹. _____، ۱۳۷۴، *برخورد تمدن‌ها و متقلباتش*، ترجمه مجتبی امیری، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌الملل وزارت امور خارجه.

